

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی: اعدام زندانیان سیاسی ایران را قطع کنید!

آنها نسبت به اعدام زندانیان سیاسی ایران، نمایندگان حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگران به طور جدی ابراز نگرانی شده است. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن تاکید بر نگرانی همیق مردم شوروی، خواهان قطع بلادرنگ اعدام زندانیان سیاسی ایران است.

است. روزنامه پروادا ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست در روز چهارشنبه اول فوریه این خبر را در نوشته‌ای با عنوان "محکومیت اعدامها" بازتاب داده است. پروادا نوشت: کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی اطلاعیه‌هایی از کمیته‌ها و دیگران دریافت کرده که در

کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران، که در رسانه‌های خبری اتحاد شوروی بازتاب یافته است، خشم مردم این کشور را برانگیخته است. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در بازتاب اراده واحساس مردم این کشور، خواهان قطع بلادرنگ اعدام زندانیان سیاسی ایران شده



نشره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۶۷ برابر با ۶ فوریه ۱۹۸۹
بها ۶ ریال - سال پنجم - شماره ۲۴۴

۱۹ بهمن گرامی باد!

نبرد دیکتاتوری شاه را در یکی از دشوارترین دوره حیات کشور آغاز کردند و در شرایط یک دیکتاتوری ژرفش یافته ادامه دادند، نبرد با رژیم استبدادی تنها را نیز تا پیروزی نهائی دنبال می‌کنند. در هیجدهمین سالروز بنیانگذاری سازمان، در شرایطی که خمینی جلاد با کشتار یکسره فرزندان انقلابی خلق و تشدید سرکوب و اختناق، می‌خواهد ترس و یاس و دلمردگی بر جنبش چیره شود، الهام بخش فدائیان خلق حماسه ساز آن سیاهکل هستند. فدائیان خلق در شرایطی این همه دشوار برای مردم ما، با الهام از رزم آوران مردم ما، با تشدید مبارزه در راه آرمانهای شکوهمند آنان، نوزدهمین سال حیات انقلابی سازمان خویش را آغاز می‌کنند.

بماند، برای جنبش انقلابی میهن ما ۱۹ بهمن روزی بزرگ و تاریخی است که طلیعه دورانی نوین در جنبش با آن بهمن گردید. برای فدائیان خلق ۱۹ بهمن، روز فتحی است که در پی اتمام مبارزه با رژیم استبدادی و سرکوبی به تشدید رزم و پیروزی در راه آزادی فرزندان انقلابی خلق و تشدید سرکوب و اختناق، می‌خواهد ترس و یاس و دلمردگی بر جنبش چیره شود، الهام بخش فدائیان خلق حماسه ساز آن سیاهکل هستند. فدائیان خلق در شرایطی این همه دشوار برای مردم ما، با الهام از رزم آوران مردم ما، با تشدید مبارزه در راه آرمانهای شکوهمند آنان، نوزدهمین سال حیات انقلابی سازمان خویش را آغاز می‌کنند.

با ۱۹ بهمن، هیجدهمین سالگشت حماسه سیاهکل، روز اعلام بنیانگذاری سازمان ما فرا رسیده است. هیجدهمین سالروز ۱۹ بهمن با یکی از خونبارترین روزهای حیات سازمان ما مصادف شده است، روزهایی که قلب هر فدائیی خلق بخاطر قتل آن همه فدائییانی که طی ماههای اخیر بخون در غلطیده‌اند، دافدار است. فدائیان خلق در هر جایی که هستند سرشار از کینه‌های ژرف یاد حماسه‌ای را گرامی می‌دارند که آنگونه خونین در سیاهکل شکل گرفت و با آن پیدایی جنبشی تازه - جنبش فدائیان خلق به مردم آگهی داده شد. در همه جا فدائیان خلق با برپائی مراسم سالروز ۱۹ بهمن، یاد همه آن رفیقانی را گرامی می‌دارند که جان باختند تا پرچم سرخ فدائی و رزم خلق استوار

طرح محدود شدن اختیارات نخست وزیر

اخیرا سرکردگان جمهوری اسلامی طرحی برای محدود شدن اختیارات نخست وزیر تهیه کرده‌اند. این امر هر چند رسماً اعلام نشده است، اما در سخنانی که محمد صدر معاون سیاسی وزیر کشور در سمینار سراسری معاونان سیاسی استانداریها در روز اول بهمن ماه ایراد کرد، بازتاب یافت. صدر در مخالفت با این طرح سخن گفت و افزود موسوی نخست وزیر برای "پیشگیری از بحران" به این طرح تن داده است.

محتشمی وزیر کشور، احتمال تغییرات آتی در روابط نهادی نظام جمهوری اسلامی را طی یک کنفرانس مطبوعاتی در روز ۶ بهمن تلویحا تایید کرد و گفت: "اینکه قانون اساسی نیازی به متمم دارد و یا نه، مسائلی است که از اول مطرح بوده و به حال هر قانونی احتیاجی به متمم دارد از جمله قانون اساسی که موادی از آن اصلاح و یا اضافه شود" (کیهان ۶ بهمن). وزیر کشور خمینی افزود قرار نیست پست‌های رئیس جمهور و نخست وزیر اتمام شوند.

اقدام برای افزایش اختیارات رئیس جمهور و کاستن از قدرت نخست وزیر را باید در چارچوب تدارک رهبران رژیم برای دوره پس از اتمام ریاست جمهوری خامنه‌ای بررسی کرد. خامنه‌ای طبق قانون اساسی آخوندی دیگر نمی‌تواند رئیس جمهور باقی بماند و در صورت اینکه نخواهند این اصل قانون اساسی را هوش کنند، باید کس دیگری را برای این سمت پیدا کنند. چندی پیش روزنامه دولتی تهران تایمز که به زبان انگلیسی بقیه در صحنه

احتمال سفر ولایتی و طارق عزیز به نیویورک

"نه جنگ و نه صلح" به عنوان فرمول رسمی حکومت برای تشریح اوضاع کنونی استفاده می‌شود. موقعیت "نه جنگ و نه صلح" عملاً به معنای ادامه همه سیاستهای دوره جنگ، منجلی شلیک در جبهه‌هاست.

ناظران اظهار عقیده کرده‌اند که تشکیل کمیسیون نظامی مشترک در صورت تحقق آن، گامی به جلو در جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ خواهد بود. چنین کمیسیونهای نظامی معمولاً رسیدگی به مسائل نظامی - فنی را برعهده دارند.

ایران و عراق پایان می‌یابد. انتظار می‌رود شورای امنیت این ماموریت را تمدید کند. دبیرکل سازمان ملل از شورای امنیت خواسته است ماموریت این نیروها هشت ماه دیگر تمدید شود.

سخنگوی سازمان ملل، از سفر اخیریان الیاسون نماینده دبیرکل سازمان ملل متحد به ایران اظهار رضایت کرد و افزود دو طرف با تشکیل یک کمیسیون نظامی مشترک موافقت کرده‌اند. در بغداد صدام حسین از این پیشنهاد سازمان ملل استقبال کرد. در سخنان مقامات جمهوری اسلامی، بیش از پیش از اصطلاح

سخنگوی سازمان ملل متحد در نیویورک اعلام کرده احتمال زیاد همزمان با تشکیل اجلاس شورای امنیت این سازمان برای استماع گزارش دبیرکل پیرامون ۶ ماه فعالیت سازمان ملل متحد در ارتباط با قطعنامه ۵۹۸، ولایتی و طارق عزیز وزرای خارجه ایران و عراق به نیویورک سفر خواهند کرد و بطور جداگانه با خاورپرز دو کوئیتر دبیرکل سازمان ملل متحد مذاکره خواهند داشت.

در این هفته دوره ۶ ماهه ماموریت نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در جبهه‌های جنگ

گرامی باد هجدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از هر نامی پرچمی بسازیم!

زمین مس
آسمان مس،

فریاد بزن سر و دوشندگان آفتاب را

فریاد بزن

فریاد می زنم

(ناظم حکمت)

سازمان، اسامی قریب صد فدائی بخون تپیده‌ای را که از میان آن همه فدائی شهید کشتار اخیر شناسائی شده‌اند درج می‌کنیم تا از هر نامی پرچمی بسازیم به سرخی آتش که در خشش آن در سیاهی شب رهگشای راه برای ادامه پیکاری باشد که آنان پیکارگران آن بودند.

از هم‌زمان اسیر ما آنان که در سیاه‌چالهای خمینی به بند کشیده شده بودند، گروه کثیری در چندماه گذشته قتل‌عام شدند. آنها که تا دیروز با ما بودند اینک جان باختند و پرچم سرخ فدائی را به ما دادند تا استوار برجای بماند. در سالروز ۱۹ بهمن، در آستانه نوزدهمین سال حیات

- ۱- حبیب آذرآز
- ۲- اصغر آراسته
- ۳- محمدتقی الله (امیر) آراین
- ۴- مهر انگیز آفاق
- ۵- اسد ابراهیمی
- ۶- همت ابراهیمی
- ۷- پیروز احیا
- ۸- سیروس ادیبی
- ۹- اسفندیاری
- ۱۰- علی رضا اسکندری (شاهپور)
- ۱۱- صمد اسلامی
- ۱۲- مرتضی اسلامی
- ۱۳- ناطقه اشرفی
- ۱۴- ناصر الماسیان
- ۱۵- حمزه الماسی
- ۱۶- پرویز الهی
- ۱۷- احمد انصاری
- ۱۸- بهمن باقرزاده
- ۱۹- اکبر بهزادپور
- ۲۰- محمود به کیش
- ۲۱- کمال الدین پاکدل
- ۲۲- اسدالله پژمان
- ۲۳- علینقی پور احمدی
- ۲۴- اسماعیل پور محمدی
- ۲۵- حمید تاج دینی
- ۲۶- احمد ثقلینی (بهرام بهتاش)
- ۲۷- جلیل جباری
- ۲۸- نادر حبیبی فولادکلاهی
- ۲۹- محمود حسن پور امیل
- ۳۰- ناصر حلیمی اصل
- ۳۱- ناهید موانچی
- ۳۲- محمدتقی خاضع
- ۳۳- تقی خان
- ۳۴- حسین خانابابور
- ۳۵- خشیار خواجهیان (فرامرز)
- ۳۶- حمید خواجه‌گیری
- ۳۷- کاظم خوشابی

- ۳۸- منصور داوران
- ۳۹- سهیلادرویشی کهن
- ۴۰- محمددریاباری
- ۴۱- حسن دشت‌آرا
- ۴۲- فتح‌الله دیانت
- ۴۳- محمد حسن (منصور)
- دیانتک شوری

- ۴۴- راستاک
- ۴۵- حسین رحیمی پور
- ۴۶- احمد رضایی
- ۴۷- محمود زندی
- ۴۸- سیامک شکوهی
- ۴۹- شهبازی
- ۵۰- اکبر صادقی بناب
- ۵۱- یدالله صادقی
- ۵۲- بیژن صفدرین
- ۵۳- نادر صلواتی
- ۵۴- فرامرز صوفی
- ۵۵- علی اصغر ضیفی
- ۵۶- بهرام طاهری پور
- ۵۷- سعید طباطبایی
- ۵۸- عبدالحمید
- ۵۹- بهزاد عبدالمهدی
- ۶۰- منصور مسگری
- ۶۱- ناصر عطایی
- ۶۲- مهدی عماری
- ۶۳- محسن فیاضوند
- ۶۴- جهانگیر فتحی
- ۶۵- حسین قاسم‌نژاد
- ۶۶- عباس قاسمی ملایی
- ۶۷- حسن قاسمی پور
- ۶۸- همت قلاوند
- ۶۹- سعید کاظمی
- ۷۰- کورش کیلاشکی
- ۷۱- علیرضا کیایی
- ۷۲- رضا گلپایگانی



دمی پیش از اعدام در پای چوبه‌دار

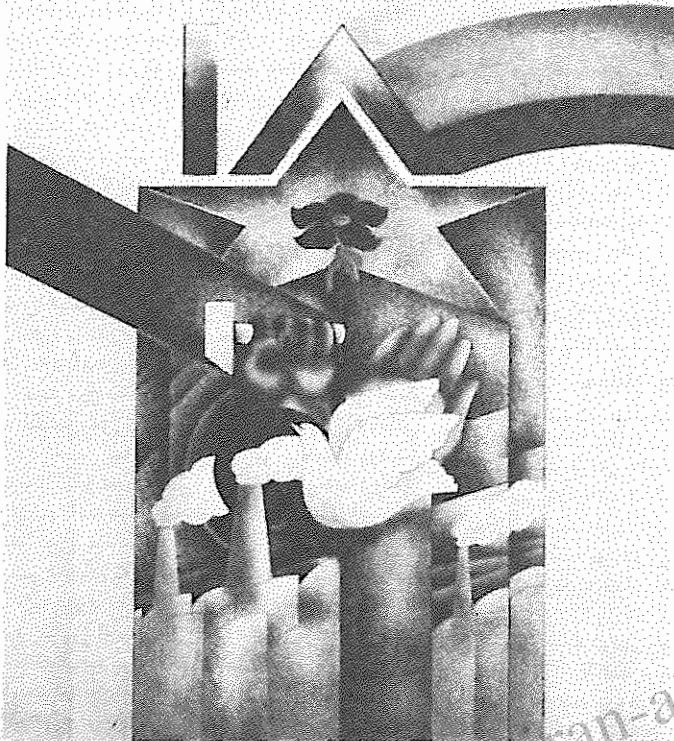
- | | |
|-----------------------------|---------------------------|
| ۸۷- کریم نادری | ۷۳- حسن گودرزی |
| ۸۸- مصطفی نجاری نژاد صلواتی | ۷۴- خلیل لطف‌الله زاده |
| ۸۹- حسن نوربخش | ۷۵- حسن لنگرودی |
| ۹۰- یدالله نوری فر | ۷۶- عبدالله لیچایی |
| ۹۱- بهرام نیک‌آترین | ۷۷- سعید متین |
| ۹۲- خوفیق وثوقی | ۷۸- علیرضا محمدی کیمیجانی |
| ۹۳- محمد جعفر وثوقی | ۷۹- بندهلی مرادپور |
| ۹۴- کاظم همدانیان | ۸۰- محمد مرتضوی |
| ۹۵- خلیل هوشیاری | ۸۱- اصغر مصفا |
| ۹۶- بهمن یزدانیان | ۸۲- رضامعظمی |
| ۹۷- حسام یگانه | ۸۳- سیامک ملکی |
| ۹۸- داریوش یوسفی | ۸۴- حمید منتظری |
| ۹۹- بهروز یوسف پور | ۸۵- عباس‌علی منشی رودسری |
| ۱۰۰- | ۸۶- اکبر میرزایی |

نخستین اعلامیه سازمان بمناسبت سالگرد سیاهکل

آورده بود. در آن روزهای سخت مضامین این بیانیه که تنها با عنوان بیانیه شماره ۵ پخش شده بود - سرشار از امید به پیروزی و آینده روشن فرداست. در این بیانیه هم چنین اسامی و مشخصات قریب چهل شهید فدائی نیز آمده است. با حذف این بخش، اصل بیانیه به عنوان یک سند درصحنه مقابل کلیشه شده است که مشاهده می‌کنید.

در آستانه نخستین سالگرد تیرباران علی اکبر صفائی فراهانی و دیگر حماسه‌سازان سیاهکل بیانیه‌ای توسط سازمان ما منتشر گردیده بود. این بیانیه در شرایطی تنظیم گردید که از تشکیلات فدائی طی یک سال قریب ۴۰ تن به قتل رسیده و صدها تن دستگیر شده بودند و تعقیب و پیگرد سنگین و مستمر ساواک وضعیتی فوق‌العاده دشوار پدید

گرامی باد ۱۹ بهمن هجدهمین سالگرد بنیانگذاری
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
پساستک انقلابی طیفه کارگر ایران
18th Anniversary of the foundation of O.I.P.F (Majority)



یادشهادت فدایی پرویز الهی گرامی باد

دانشجویان فعالانه شرکت ورزید. رفیق پرویز الهی در ادامه مبارزه و برای ارتقاء سطح آن در ارتباط با گروه های سیاسی مخفی دانشجویی قرار گرفت، تا بالاخره در سال ۱۳۵۴ توسط ساواک شاه شناسائی شد و دستگیر گردید. تازمانی که شاه و ساواک قدرت داشتند پرویز زندانی ماند. با اوج یابی جنبش مردم علیه رژیم شاه و گشوده شدن درهای زندان ها بود که وی رهائی را باز یافت. این مبارز سرسخت دوران اشتقاق، این بار در جوش جنبش گسترش یافته توده ای فوطهور شد و سرسختانه کار سازمانگران را آغاز کرد. توجه همواره او این بود که در جنبش فراگیر توده ای کارگران چگونه می توانند به گونه ای متشکل عمل کنند و مهر و نشان خود را بر کل جنبش حک کنند، شهر کارگری قزوین مکان مناسبی برای ایفای وظیفه در این راستا بود. از این رو بقیه در صفحه ۵

در سال ۱۳۳۱ بود که پرویز در تهران به دنیا آمد. خانواده اش تازه از سمنان به تهران آمده بودند. در سمنان پدرش در جستجوی کار به بن بست رسیده بود. ناگزیر به امید یافتن کار در دیاری دیگر، ترک ولایت کردند و از تهران سر در آوردند. پدر پس از چندی کار در اینجا و آنجا، بعنوان کارگر راه آهن تهران به کار پرداخت فرصتی بود که هفت سر مائله بی نان نمایند و بچه ها درس بخوانند. در چنین محیطی پرویز بزرگ شد، درس خواند و دیپلم گرفت. او حتی فرصت این را هم یافت که تحصیلات عالی را آغاز کند. اگر چه هیچگاه فرصت نیافت به آن پایان دهد. در سال ۱۳۵۳ وارد مدرسه عالی اقتصاد قزوین شد برای این دانشجوی جوان که درس سیاست را از زندگی آموخته بود، دانشگاه هرصه ای برای توفندگی بود. از همان بدو ورود، در پیوند با جنبش دانشجویی علیه رژیم مستبد و ضد مردمی شاه در کلیه فعالیت های صنفی و سیاسی

بیانیه شماره ۵

از ما، چون یکی از پای در آید
مزاران جوان تیغ بکف از پای هر نهال برخوانند خامت
و راه ما را تا مرزهای آزادی خواهند گشود

هیچگاه حکومتی که دیگر عمرشان به سر رسیده و تاریخ حکم مرگشان را صادر کرده است. خود را تسلیم این حکم نساخته اند. اینان برای ایفای سروری خود به خشونت روی آورده اند. لیکن اگر توانسته اند چندی بزنگی می که در هر لحظه اش مرگ را پیش روی خود می دیدند ادامه دهند و مرگشان را به تاخیر اندازند، هیچگاه قادر به مخالفت دائمی با جریان قوی تاریخ نبوده اند. هیچکس را از حکم تاریخ که خلقها عامل اجرای آنند راه گریزی نیست.

حکومت شاه خود فروخته که توسط همان اربابانی که پدرش را به حکومت رساندند و در همان حمام خونی که پدرش ساخته بود بوجود آمده از جمله این محکومین تاریخ است. حکومت شاه که با حمایت اربابان آمریکائی و انگلیسی پدید آمد از همان آغاز با مبارزات قهرمانانه نیروهای مترقی مواجه شد و از همان آغاز خود را بخون قهرمانان آزادی آورد.

اربابانش و او دچار این خوش باوری شده اند که گویا میتوانند با کشتن و باز کشتن خرچ تاریخ را از حرکت باز دارند. لیکن هر مبارزهای را که سرکوب کردند با موج سرسخت تری از مبارزین روبرو شده اند. و اکنون ما در نقطه اوج مبارزات آزادیبخش قرار داریم. همواره در نقاط عطف تاریخی آنگاه که جامعه در روند تکامل اش جمیع شرایط لازم برای عبور از مرحله ای به مرحله تاریخی متکاملتری را در درون خود رشد داده و ایجاد کرده است تاریخ غایبگر شگفتیهای بسیاری بوده است. و اکنون در پر شکوه ترین عطف تاریخی در مرحله ای که انقلابهای آزادیبخش در دستور قرار گرفته اند. در آستانه قیام شکوهند خلقها بر علیه امپریالیسم و هر گونه مظهر استبداد انسان از انسان، ما شاهد شگفت ترین رویدادهای تاریخی هستیم. سرسخت ترین مبارزین راه آزادی و میهن پای در عرصه مبارزات نهاده اند و به حادترین شکل مبارزه، به عمل مسلحانه، دست زده اند. فریاد رژیم آوری اینان پی گیری اینان در مبارزه، امپریالیسم آمریکا و حکومت خود فروخته شاه را لرزاند، اینان در مبارزه مسلحانه پیشگامان خلق، نطفه های فرشته آزادی خلق را دیده اند، که عفریت مرگ آنها است و بر اساس يك انعکاس غریزی به خشونت روی آورده اند تا شاید نطفه های فرشته آزادی خلق را که در مبارزات پیشاهنگان انقلابی خلق بسته شده از همان آغاز نابود سازند. آنها با خشونتشان چاه مرگ خود را بازم عمیق تر میکنند. هر مبارزی را که اینان به رگبار خشونت بستند چندین مبارز دستپاشان را برای برداشتن سلاح دراز کردند.

«چریکهای فدائی خلق»

۱۳۵۰/۱۲/۱۶

وزیر کشور: شمار اعدامیان هنوز معلوم نیست

«من اطلاعی از نامه جورج بوش ندارم» وی در پاسخ سئوالی مبنی بر حیثه فعالیت وزارت اطلاعات و وزارت کشور، وزارت اطلاعات را جزو سازمانهای تابع وزارت کشور خواند! محتشمی گفت: وزارت اطلاعات به عنوان چشم نظام در سیستم تشکیلاتی کشور عمل می‌کند و بازوی وزارت کشور است و عضو شورای امنیت کشور می‌باشد که به ریاست وزیر کشور تشکیل و برای دستگامهای انتظامی، امنیتی اطلاعاتی و قضایی تقسیم کار می‌کنند. وزیر کشور در این گفتگو خبر مجله «الشرع» چاپ دمشق را در زمینه نقش جمهوری اسلامی در درگیری‌های اخیر لبنان تکذیب کرد.

وزیر کشور علی‌اکبر محتشمی روز پنجشنبه ۶ بهمن در مصاحبه‌ای که با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی ترتیب داده بود، به سئوالات خبرنگاران در زمینه شمار اعدامیان، روابط ایران و آمریکا، ادغام وظایف نخست‌وزیری در ریاست جمهوری، نقش جمهوری اسلامی در درگیری‌های لبنان، و آینده حزب جمهوری اسلامی و... پاسخ گفت. وی در باره سئوال خبرنگار تلویزیون سوئیس پیرامون تعداد اعدام‌شدگان بغداد آتش‌بس، بالابالی‌گری گفت: «تعداد مشخصی در دست نیست».

محتشمی در پاسخ خبرنگار روزنامه واشنگتن پست مبنی بر مکاتبه جورج بوش با جمهوری اسلامی، اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت:

محاکمه سرپرست برنامه رادیویی به دستور خمینی

روز که مصادف با سالروز تولد «فاطمه زهرا» بود، از برنامه خانه و خانواده مصاحبه‌ای پخش شد و بانوی مصاحبه‌کننده اظهار داشت که «اوشین» ستاره سریال تلویزیونی ژاپنی «سال‌های دور از خانه» یک زن ایده‌آل است. اطلاع خمینی از پخش همین مطلب وی را برآشفته و مسئولین برنامه بلافاصله بازداشت و محاکمه شدند. حاکم شرع سرپرست برنامه را به ۵ سال و سه کارمند همین بخش از برنامه‌های رادیویی را به ۴ سال زندان و ۵۰ ضربه شلاق محکوم کرد.

بنابه گزارش روزنامه جمهوری اسلامی، سرپرست برنامه خانه و خانواده رادیو جمهوری اسلامی که هفته گذشته به هلت پخش برنامه‌ای مقایسه با نظر جماران به دستور خمینی به اعدام محکوم شده بود، روز چهارشنبه، محکومیت وی با تجدیدنظر خمینی تغییر کرد.

روز شنبه در پی پخش برنامه خانه و خانواده، خمینی از مطالب برنامه برانگیخت و با ارسال نامه‌ای دستور داد چنانچه برنامه همدی تهیه شده باشد، سرپرست آن را اعدام کنند. در این

واردات چند کالای دیگر آزاد شد

بازار آزاد ارزهای خارجی نیز به رونق روزهای قبل از تسلیم رژیم به قطعنامه صلح نزدیک شده است. طبق گزارش منابع دولتی در هفته گذشته ارزش برابری ارزهای همدی مورد معامله در بازار آزاد ارز تهران نسبت به قیمت سابق افزایش یافت. بر اساس گزارش همین منابع، در روز پنجشنبه ۵ بهمن ماه نرخ سه ارز همدی دلار، مارک و پوند به ترتیب ۹۸۵ ریال، ۵۳۵ ریال و ۱۸۰۰ ریال بود. در همین روز قیمت هر سکه طلای بهار آزادی با ۱۹۰۰ ریال افزایش به ۹۳۵۰۰ ریال رسید و طلای متفرقه به هلت تغییرات لحظه‌ای، در بازار معامله نشد.

واردات انواع کامپیوتر و متعلقات آن، شیرخشک و غذای کودک، کره، مواد اولیه لاستیک، فلزات رنگی، فیلم و زینک و مواد کیمی و جنبی واحدهای تولیدی و خدماتی به تصمیم دولت آزاد شد. تجار می‌توانند این کالاها را همراه سایر کالاهایی که قبلاً آزاد شده است از خارج تهیه و در داخل کشور بدون نظارت و قیمت‌گذاری به هر شکل که مناسب تشخیص دهند، عرضه کنند.

گزارش‌های اقتصادی مطبوعات دولتی حاکی است که هلیرفتم آزادی ورود کالاهای مصرنی، کمبود و گرانی در حال تشدید است و

وزیر برنامه و بودجه:

برای پرداخت حقوق پول نداریم

دولت موسوی همزمان با لایحه بودجه سال ۶۸ کل کشور، لایحه متمم بودجه سال ۶۷ را به نمایندگان مجلس داد و تاکید کرد در صورتیکه با تغییر ارقام بودجه سال ۶۷ و اجازه استعراض دولت از بانک مرکزی موافقت نشود، دولت پولی برای پرداخت حقوق کارمندان ندارد. این لایحه با قید و فوریت و با مهر «سری» به مجلس تحویل داده شد تا نمایندگان با توجه به دو فوریت آن، لایحه را خارج از نوبت در کمیسیون بودجه بررسی و در جلسه سری تصویب کنند. وزیر برنامه و بودجه هنگام ارائه لایحه متمم بودجه سال ۶۷ به نمایندگان گفت که دولت از همان ابتدای سال ۶۷ می‌دانست ارقام لایحه پیشنهادی غیر قابل تحقق هستند و درآمدها تحقق نخواهند یافت و کسری بودجه بیشتر خواهد شد. مبلغ مورد تقاضای دولت به حدی سنگین است که مجلس شورای اسلامی را نیز دچار آشفتگی کرده است. نماینده‌ای به وزیر برنامه و بودجه گفت: «اگر عدم تحقق درآمدها برای شمار و شن بود، چرا اصلاحیه یا متمم بودجه را قبل از اینکه به خسارت برسد و نتوانیم حقوق بدهیم بر نمی‌دارید، به مجلس بیاورید، همدی را که شما در لایحه بودجه آوردید می‌خواهید مطرح کنید رقم بالایی است... اینها متمم بودجه است، اینها اصلاحیه بودجه نیست. اینها مسایلی را در جامعه ما ایجاد خواهد کرد... من از این نظر واقعا درونم راجع به این مسایل نگران است و نگران این قضایا هستم».

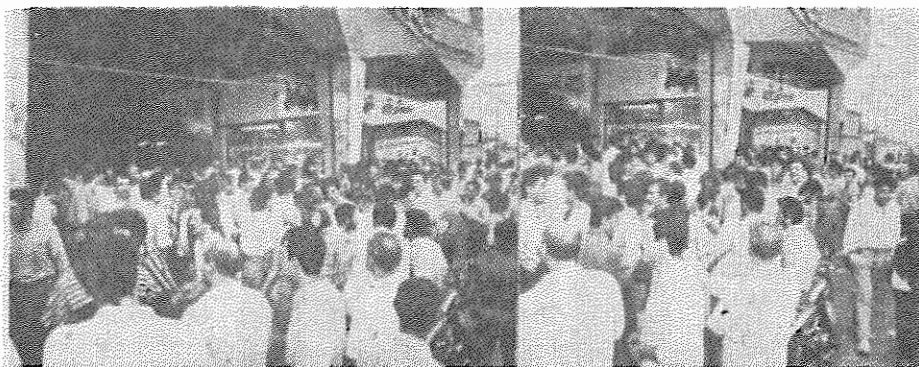
بودجه دولت همه ساله با کسری همراه است و به همین هلت اواخر هر سال متممی برای تغییر ارقام آن تحویل داده و تقاضای افزایش استعراض از بانک مرکزی و انتشار اسکناس بدون پشتوانه می‌کنند.

هدم بازپرداخت بدهی دولت به بانک مرکزی در پایان سال مالی، تورم را تشدید کرده و ارزش ریال سال به سال کاسته است.

بر اساس نوشته مطبوعات چاپ تهران و ارزیابی بودجه دولت طی سالهای گذشته، هم‌اکنون دولت بیش از ۱۰ هزار میلیارد ریال به سیستم بانکی بدهکار است.

مردم گرمسار در چادر زندگی می‌کنند

وقوع زلزله‌های پی‌پی در مرکز گرمسار و اطراف آن هم‌چنان ادامه دارد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی روز ۴شنبه هفته گذشته ۵ زلزله در فاصله ۲ ساعت شهرستان گرمسار و اطراف آن را لرزاند. قدرت این زلزله‌ها بین ۴ تا ۴ درجه در مقیاس ریشتر بود. طی دو ماه گذشته، بیش از ۳۰۰ بار در گرمسار و اطراف آن زلزله شده و خسارات مالی فراوانی وارد آمده است. هم‌اکنون بیشتر مردم گرمسار در هراس از زلزله‌های ناگهانی و تندشمارادر چادر به سر می‌برند تا از آوار خانه‌های فرسوده در امان باشند.



تهران - میدان فردوسی: روزهای تعطیل هم کار خرید و فروش ارز جریان دارد.

آخرین سرباز شوروی کابل را ترک کرد

بقیه از صفحه آخر

اشرار مسدود شده بود، باز کند. وضع توزیع مواد غذایی و خدمات درمانی در شهرهای بزرگ افغانستان همچنان وخیم است. به گفته سخنگوی وزارت خارجه شوروی، در کابل هنوز خطر گرسنگی بر اثر محاصره توسط ضدانقلابیون وجود دارد. هزاران کامیون حامل گندم هنوز نتوانسته‌اند به کابل راه یابند. تاکنون با کمک پل هوایی شوروی، ۳۵۰۰ تن آرد وارد کابل شده است. اما این شهر هنوز به تامین نان خود از خارج نیازمند است. سخنگوی وزارت خارجه شوروی از بی‌توجهی اپوزیسیون افغانستان به دعوت به واقع بینی از سوی اتحاد شوروی، اظهار تاسف کرد. نجیب‌الله رئیس‌جمهور افغانستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی، ضمن قدردانی از

نیروهای مسلح شوروی، گفت تنها افغانستان و اتحاد شوروی، قرارداد ژنو را رعایت کرده‌اند. وی افزود در مدتی که از هنگام امضای این قرارداد گذشته است، بر اثر حملات گروههای افراطی که از طریق پاکستان مسلح شده‌اند، بیش از ۷ هزار نفر جان خود را از دست داده و ۱۲ هزار تن مجروح شده‌اند. نجیب‌الله بر ادامه سیاست مصالحه ملی علیه رژیم انعطاف ناپذیری گروههای افراطی اپوزیسیون تاکید کرد و از پاکستان خواست سیاست خود در قبال افغانستان را مورد تجدید نظر قرار دهد. نجیب‌الله خروج دیپلماتهای غربی از افغانستان را بخشی از جنگ روانی برای تشویق اشرار دانست. وی گفت دولت و ارتش افغانستان آماده مقابله با تهاجم ضدانقلاب هستند.

یادشید فدايي

بقیه از صفحه ۳
پس از رهایی از زندان با بازگشت به قزوین، فعالیت در گروهی را آغاز کرد که اعضای آن پیشروان جنبش کارگری و دانشجویی بودند. این گروه در همین حال اقدامات موثری برای برقراری رابطه و تامین هماهنگی با محافل کارگری و مترقی شهر قزوین صورت داد.

گروهی که رفیق پرویز از فعالین آن بود، پس از تامین رابطه ارگانیک با سازمان به هسته استوار فدائیان خلق در قزوین بدل گردید. این هسته با سرنگونی شاه وظیفه سازماندهی همه فدائیان خلق را در آن منطقه بر عهده گرفت و به این ترتیب کمیته ولایتی قزوین سازمان داده شد که رفیق پرویز از اولین اعضای آن بود.

فدائی خلق پرویز الهی در کمیته ولایتی قزوین، مسئولیت تحکیم و گسترش رابطه فدائیان خلق با جنبش کارگری منطقه را بر عهده گرفت. رابطه مستقیم با مجامع کارگری قزوین وظیفه‌ای بود که وی آنرا با شوقی که از جان مایه می‌گرفت انجام می‌داد. اما با

وجود این در سال ۱۳۶۲ ناگزیر شد تا بنگسد. وی که بخاطر سوابق مبارزاتی و کار وقفه ناپذیر در سازمانگری جنبش کارگری چهره شناخته شده‌ای بود، بناچار از قزوین به تهران منتقل گردید. این فدائی پرسابقه از همه تجربه‌ای که طی ده سال مبارزه مستمر اندوخته بود، برای سازماندهی تفکیکات در شرایط کاملاً مخفی بهره گرفت. وی در حالی که زندگی بدشواری می‌گذشت و حتی فاقد حداقل امکانات زیستی برای خانواده کوچکش بود، مبارزه در آن شرایط خطرناک را با سرافرازی ادامه داد. وقتی که بالاخره به دام ساواک خمینی افتاد و یکبار دیگر در زندان به بند کشیده شد، می‌دانست که وظیفه‌اش چیست. وی پیش‌تر همیشه تاکید می‌کرد که کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی باید صداقت و صلاحیت خود را از طریق بیشترین فداکاری و مقاومت به مردم نشان دهند. زندان هر صدهای برای تجلی پایبندی این رفیق دلاور به باور رزمجویانه‌اش بود. او جان خود را در راه آرمانش تثار کرد تا دشمن دیورشت را در وهم به تسلیم کشاندن این فرزندگر انمايه مردم زحمتکش میهن تاکام سازد و به شکست کشاند.

یادش جاودانه گرامی باد!



کابل همچنان در خطر گرسنگی است.

طرح محدود شدن

بقیه از صفحه اول

در تهران منتشر می‌شود، خبر داد که رفسنجانی کاندیدای اصلی برای قبضه پست ریاست جمهوری است. هنوز معلوم نیست تغییراتی که قرار است در روابط نهادهای نظام سیاسی جمهوری اسلامی بدهند، در صورت تحقق آن به سود

کدام گروه‌بندی قدرت تمام خواهد شد. آنچه مسلم است، این است که جمهوری اسلامی از بدو پیدایش خود به علت پیش بینی مراکز متعدد قدرت در قانون اساسی، دچار بحران ساختاری است. اختلافات دستجات رقیب حکومتی در هر صده روابط بین نهادهای قانونی، چه در هنگام ریاست جمهوری بنی‌صدر، چه طی

سالها کشمکش مجلس و شورای نگهبان و چه در رقابت پنهان و آشکار خامنه‌ای و موسوی، ادامه یافته است. نه احکام ضدونقیض خمینی و نه طرحها و لایحه‌ها، نتوانسته‌اند این بحران را تخفیف دهند. این بحران ساختاری بنا به ماهیت رژیم با حیات آن همراه است و تنها با خاتمه حیات آن به شکل کنونی‌اش، خاتمه می‌یابد.

ایتالیا:

اعتراض به سفر موسوی

همانگونه که در شماره‌های گذشته "اکثریت" گزارش دادیم، همزمان با سفر موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی و همراهانش به ایتالیا، محافل و نیروهای دمکراتیک در این کشور به اعدام زندانیان سیاسی ایران و سکوت دولت ایتالیا در این مورد، اعتراض کردند.

از جمله، مسئول شعبه بین‌المللی اتحادیه عمومی کار ایتالیا، که بزرگترین فدراسیون سندیکایی جهان سرمایه‌داری است، در روز ۱۶ ژانویه تلگرامی برای دمیترا نخست وزیر ایتالیا فرستاد. وی در این تلگرام نوشت: "شما مطمئناً می‌دانید که

دولت ایران از مدت‌پیش دست به قتل‌عام زندانیان سیاسی زده است. در ماه‌های اخیر، اجرای این طرح جنایتکارانه تشدید شده و ابعادی به خود گرفته است که نگرانی از نابودی همه زندانیان سیاسی وجود دارد. برای ما، مشخص کردن ارقام و آمار زیاد قربانیان، امکان‌پذیر نیست، زیرا حتی خانواده‌های آنها نیز گاه در

جریان قرار نمی‌گیرند. با این حال، تعداد اسامی قربانیان وابسته به گرایش‌های سیاسی مختلف که از سوی فدائیان خلق (اکثریت)، شورای ملی‌مقاومت، مجاهدین، حزب توده ایران و جمعیت دفاع از حقوق بشر اعلام شده، تکان‌دهنده است. علاوه بر این، با دستگیری‌های جدید، خطر کشته شدن زندانیانی که محکومیت آنها به پایان رسیده است نیز وجود دارد."

در ادامه تلگرام، اتحادیه عمومی کار ایتالیا خواهان "مواضع قاطع، روشن و موثرتری در این مورد" شده است. مسئول شعبه بین‌الملل این اتحادیه همچنین تأکید ورزیده است که قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران نمی‌تواند بی‌واکنش بماند، و "باید وسیع‌ترین و قاطع‌ترین اعتراضات بین‌المللی برای متوقف کردن آن انجام پذیرد". وی می‌افزاید قطع هرگونه شکنجه و سرکوب و احترام به قوانین بین‌المللی، باید شرایط فیرقابل

چشم‌پوشی برای روابط دو کشور باشد.

همچنین "جمعیت بین‌المللی دفاع از آزادی و حقوق ملت‌ها - ایتالیا" طی یک اطلاعیه مطبوعاتی در رابطه با سفر موسوی، با اشاره به تشدید سرکوب در ایران و عراق پس از برقراری آتش‌بس، به کشتار وسیع زندانیان سیاسی ایران می‌پردازد و خاطر نشان می‌کند: "قتل‌های اینچنین، علیه مخالفان دمکرات و صلح‌دوست را در تاریخ تنها در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها می‌توان به یاد آورد."

اطلاعیه، با ذکر مواردی از جنایات دژخیمان خمینی، یادآور می‌شود: "دیدار نخست وزیر، موسوی، بنا به دعوت دولت ایتالیا... ندیده گرفتن جنایات رژیم بر علیه مردم ایران و نیروهای اپوزیسیون دمکراتیک و صلحدوست ایران است که در آن، موسوی نخست‌وزیر، بعنوان یکی از بالاترین مقامات رژیم خمینی مستقیماً مسئول است."

عقوبین الملل خواهان...

بقیه از صفحه آخر انتشار داد و تأکید کرد تعداد آن زندانیانی که اعدام آنها تاکنون مسجل شده، تنها "نوک کوه‌یخ" است و شمار واقعی، به احتمال زیاد بسیار بیش از آن است. اقدام سازمان عفو بین‌الملل، هم‌زمان با آغاز کار اجلاس چهارمین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، می‌تواند زمینه مناسبی برای گسترش و ادامه فعالیت‌های ما در کشورهای مختلف برای رستار کردن فریاد اعتراض به ددمنشی‌های رژیم

ا. ر. عارف، دبیرکل جبهه چپ دمکراتیک پاکستان در یک بیانیه مطبوعاتی در باره نشست ۲۳ دسامبر ۱۹۸۸ این جبهه در کراچی، اعلام کرد که اعضای رهبری این جبهه متشکل از هاید حسن منتو از "حزب کارگران پاکستان"، ارباب خاوراز "حزب وطن دوست انقلابی"، معراج محمدخان از گروه "تومی‌مهاذآزادی"، پروفتشور جمال نقوی عضو دفتر سیاسی "حزب کمونیست پاکستان" و فلام نبی کالو از "حزب کارگران و دهقانان

خمینی باشد. موضعگیری جدید عفو بین‌الملل، می‌تواند در کلیه حرکت‌های افشاگرانه و مراجعات به احزاب، سازمانها و شخصیت‌ها، همراه با اسناد دیگر، از جمله فهرست بیش از ۶۰۰ نفری انتشار یافته توسط "اکثریت"، مورد استناد قرار گیرد. ما ضمن حمایت از خواست عفو بین‌الملل برای اعمال فشار بر رژیم خمینی، باید تلاش خود را هرچه بیشتر بر بین‌المللی کردن مسئله اعدام‌های سیاسی در ایران متمرکز کنیم. هدف از این تلاش، باید انزوای کامل رژیم در عرصه بین‌المللی باشد.

بیانیه جبهه چپ دمکراتیک پاکستان

پاکستان"، کشتار اعضای نیروهای دمکرات را در ایران محکوم می‌کنند.

در این بیانیه با اشاره به اعدام توده‌های فدائیان خلق و مجاهدین، از همه "مردم آگاه و با حسن نیت سراسر جهان" خواسته شده است فریاد خود را برای اعتراض و نجات جان مبارزان سیاسی ایران، بلند کنند.

جبهه چپ دمکراتیک پاکستان از سازمان ملل درخواست کرده است که ناظرانی برای بررسی این کشتار وسیع به ایران گسیل دارند.

تظاهرات در سوئد

ایران"، "پشتیبانی از مبارزات مردم ایران علیه رژیم ارتجاعی خمینی" و "پشتیبانی از زندانیان سیاسی ایران" در دست داشتند، در خیابانهای این شهر به حرکت درآمدند. صف تظاهرات در پایان به مقابل "خانه مردم" رسید و با صدور قطعنامه‌ای پایان یافت. از

روز جمعه ۲۰ ژانویه، جمعی از پناهندگان ایرانی در شهر کیرونا سوئد علیه اعدام زندانیان سیاسی در ایران دست به تظاهرات زدند. شرکت کنندگان در تظاهرات درحالی که پلاکاردهایی با شعارهای "قطع اعدام‌های زندانیان سیاسی در



جمله خواهشهای مطرح شده در این قطعنامه، قطع اعدام و شکنجه، محکومیت رژیم خمینی توسط دولت و احزاب سیاسی سوئد و تلاش سازمانهای بین‌المللی در جهت جلوگیری از نقض حقوق بشر در ایران است. گزارش این حرکت در روزنامه‌های محلی به چاپ رسید. (عکس)

مصادره‌ای باروزنامه "کوریرن" به تشریح جنایات اخیر خمینی و ابعاد قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران پرداختند. این مصاحبه با ذکر جزئیاتی از فجایع در زندان‌های ایران، در این روزنامه بازتاب یافت.

«اکتشافات علمی» در جمهوری اسلامی

مصرف بیش از حد نان و لبنیات
عامل اصلی سرطان مری و
معهده است

معهده - خرتکاز کیهان: در زمینه شناسایی عوامل
مصرف بیش از حد نان و لبنیات

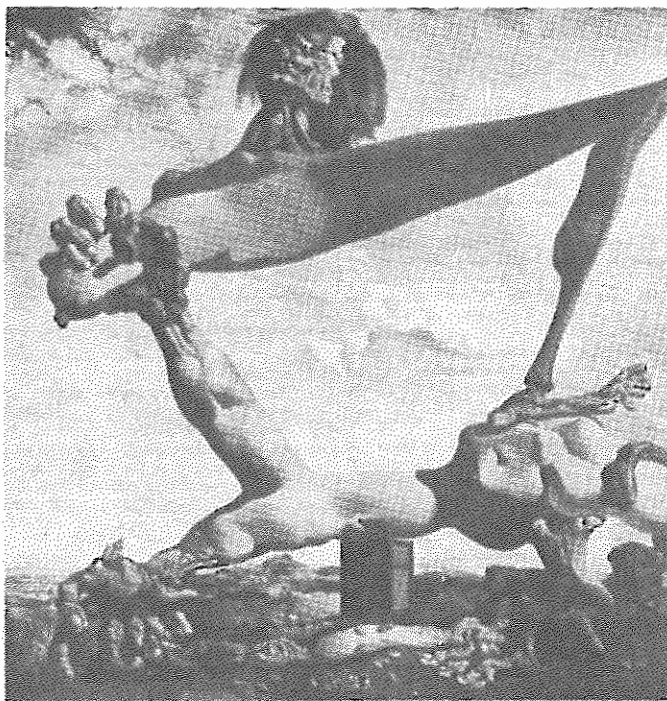
«اکتشافات» کمبودها و تنگناها را
توجیه کنند. مثلاً اگر دنبال قرص گلو
بگردید، می‌گویند «ای بابا، مثل
اینکه شما خبر ندارید، در همه جای
دنیا قرص گلو درد منسوخ شده
است.» اگر دکتر برایتان مقداری
قرص بنویسد، نصفش را نمی‌دهند و
می‌گویند: «به آقای دکتر بگویید
زیادتر از این، مضر است.»

مصرف بیش از حد نان و لبنیات
عامل اصلی سرطان مری و معده
است. با این «کشف علمی»
تازه در جمهوری اسلامی، به قول
طنزنویس کیهان لابد می‌خواهند
مردم را از همین نان و ماست هم
که می‌خورند محروم کنند!
در جمهوری اسلامی رسم شده
است که به بهانه این قبیل

سالوادوردالی در گذشت

شاعر بزرگ و وجدان بیدار اسپانیا
که به دست فاشیستهای فرانکو
تیرباران شد، فرصت طلبانه از
فرانکو و حتی از قتل لورکا حمایت
کرد. اما دالی، به ویژه در واپسین
سالهای زندگی خود، اظهارات و
سخنانی داشت که با مواضع پیشین
او تفاوت جدی نشان می‌داد. از آن
جمله است حمایت دالی از
«پرسترویکا» و اعلام این نظر که
در باره اتحاد شوروی تغییر عقیده
داده‌است.

سالوادوردالی، نقاش
سوررئالیست اسپانیایی، در سن
۸۴ سالگی در زادگاهش، شهر
ویگوئراس، بر اثر یک حارصه قلبی
درگذشت. دالی آخرین سالهای
زندگی خود را با افسردگی شدیدی
که پس از مرگ همسرش بدان دچار
شده بود، سپری کرد.
شخصیت متناقض و جنجالی
سالوادوردالی، پرچم‌ترین
ویژگی او بود. او هلیرنم دوستی
نزدیکش با فدريكو گارسیالورکا،



«پیش بینی جنگ داخلی» (۱۹۳۶) از معروف‌ترین آثار دالی

شعر معاصر ایران

گوچه، آه، بگم.....

گوچه، آه، بگو با من! شور نسل جوانت کو؟
وان نگاه خریداری پشت سرو روانت کو؟
گوی و تنگی میدانت، های و هوی جوانانت،
تیر و تور و خط و مرزی بسته ره به میانت کو؟
جنگ حنجره و آوا، رنگ پشت لب و سیما،
با بلوغ بهار آسا، هیچگاه خزانت کو؟
در تو گزمه چو پا گوید، خواب خلق بر آشوب؛
در تموز میدنهای، سایه‌سار امانت کو؟
هر پسین، پی دیواری، «حمله» تازه و نو داری؛
نقل و پول و نثار اما، جز نشاندن بجانت کو؟
سبزه روی سیه چشمی لب نمی‌گزد از خشمی؛
شوخی پسران چون شد؟ شرم دخترکانت کو؟
این شهید و تبارش گم، آن قتل و مزارش گم -
حال و روز خوشی بودت! این کجا شد و آنت کو؟
نقش نینه دیوارت، یاوهای دلازارت -
تا زمانه بشویدشان، لال مانده! زبانت کو؟
نام تازه تو را دیدم از شهیدی و، پرسیدم
گز شهادت بیاران بر گتیبه نشانت کو
رای خصم تبه کردت، تا دیار فنا بردت،
گوچه! پیر شدی، مردی، قلب گرم جوانت کو؟

سیمین بهمانی

حزب فاشیست های میلیونر

وزیر پست آلمان فدرال را
برانگیخت، در برخی نقاط فعالین
سندیکایی در اداره پست از
رساندن این نامه‌ها خودداری
کرده‌اند.

در انتخابات ایالتی برلین
فربی، یک حزب نئوفاشیستی
دیگر بنام «جمهوری خواهان»
توانست نزدیک به ۸ درصد آرا به
خود اختصاص دهد. بدنال این
موفقیت نئوفاشیستها، هلموت
کول صدراعظم آلمان فدرال گفته
است که دولت آلمان فدرال باید در
مقابل اتباع خارجی مقیم این کشور و
پناهندگان، سخت‌گیری بیشتری
اعمال کند تا فاشیستها نتوانند نیرو
بگیرند!

اخیرا یک حزب فاشیستی
آلمان فدرال بنام «اتحادیه ملت
آلمان» با صرف ۶ میلیون مارک
هزینه، به همه واحدهای مسکونی
در این کشور از طریق پست
برگه‌های انتخاباتی خود را که
حاوی شعارهای نژادپرستانه علیه
اتباع خارجی مقیم آلمان فدرال
است، فرستاده است. بنیانگذار این
حزب بنام «دکتر فرای» در قصری
در ایالت بایرن آلمان فدرال
زندگی می‌کند و پلیس حفاظت از او
را برعهده دارد.

اقدام پست آلمان فدرال در
بستن قرار داد با فاشیستها برای
ارسال ورق‌پاره‌های فاشیستی،
اعتراض همه نیروهای ترقیخواه به

کنفرانس اسلحه شیمیایی و «اخلاق»

استفاده کنندگان چهار از سلاحهای
شیمیایی است، بنویسد: «من شما
را دعوت کردم تا برایتان از اخلاق
سخن بگویم.» روی جعبه‌ای
حاوی بمب‌های شیمیایی نوشت
است: «ساخت فرانسه».

در کنفرانس منع سلاحهای
شیمیایی در پاریس، هم عراق و هم
جمهوری اسلامی از شرکت
کنندگان «فعال» بودند. این امر،
کاریکاتوریست روزنامه لوموند را
بر آن داشته است که از قول
میتران که در حال سخنرانی برای

از "دفترهای زندان"، گرامشی

**نوشته: جوزپه واکا، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست
ایتالیا و رئیس موسسه گرامشی
برگرفته از:
"مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره ۱ سال ۱۹۸۹**

شوروی در نیمه دوم دهه ۲۰ رو به آن شروع به رشد نمود، موضعی انتقادی داشت. در این سالها، تلاش برای رشد سریع صنایع سنگین، باعث شد نیازهای روستا، صنایع سبک و وظایف در هر صه اجتماعی و فرهنگی، و نیازهای انسان به مشابه عامل فعال تولید اجتماعی، به فراموشی سپرده شود. به نظر گرامشی، این نوع از برنامه ریزی بر الگوهای گرفته شده از جلد دوم "سرمایه" مبتنی بود، اما این الگوها مربوط به بازتولید سرمایه بود و نمی بایست مبنای ساختمان سوسیالیسم قرار می گرفت.

دقیقا همین مسائل تئوریک، در تحلیل نقادانه کتاب لاپیدو وک، اوستروویتیانف بنام "اقتصاد سیاسی در رابطه با تئوری اقتصاد شوروی" (منتشره در ۱۹۲۸ و به زبان ایتالیایی در ۱۹۲۹) طرح شدند. گرامشی، تنگ نظری نویسندگان این کتاب در نگرش به مسائل مربوط به مدیریت سوسیالیستی اقتصاد را نشان داد. گرامشی، سرشار از تاسف نوشت: "آنچه بطور ویژه تکان دهنده است، این است که به جای نگرشی انتقادی، که مستلزم حداکثر هشیاری و دوری از پیشداوری، مستلزم اندیشه های تازه و ابتکار و خلاقیت علمی است، انحصار افکار تنگ نظرانه و کوتاه بینانه حاکم است، انکاری که به دلیل موضع جزم گرایانه شان نه متعلق به علم، بلکه تنها متعلق به آثار درجه دومند." (۵)

گرامشی در جمع بندی می نویسد: "تفکر انعطاف ناپذیر از همه چیز خطرناک تر است." (۶) نقد کتاب یاد شده، بطور غیرمستقیم علیه رهبری استالین بود، این امر مستقیما اظهار نمی شد، اما گرامشی با صراحت تاکید می کرد که کتاب مزبور در اساس، در سنامه ای رسمی در باره اقتصاد سیاسی سوسیالیسم محسوب می شد.

چرا گرامشی چنین اندیشه و چنین "تکامل" مارکسیسم را خطرناک می دانست؟ همانگونه که از ملاحظاتی و یادداشت های او برمی آید، گرامشی از این هراس داشت که برای طبقاتی که قدرت را تسخیر کرده بود، این کسب قدرت تبدیل به برپایی هژمونی سیاسی بوروکراسی، یعنی قشری از اداره کنندگان دستوردهنده تبدیل شود. وی در همین حال در "دفترهای زندان" اشاره کرده است که در این صورت ممکن است پرولتاریا به ضرر دهقانان، به برخی مزایای مادی دست یابد، اما این خطر بوجود می آید که اتحاد میان کارگران و دهقانان زوال یابد و ساختمان سوسیالیسم و نیز نوع جدید

می رسد که حدت مسائل روسی، باعث می شود که شما به جنبه های بین المللی همین مسائل روسی، بی توجه بمانید." (۲)

گرامشی در این باره می اندیشید که چنین چرخش اوضاع، چه تاثیری می توانست بر خصلت و روند تحول در خود کشور شما داشته باشد. به نظر ما، پاسخ به این سؤال را می توان در "دفترهای زندان"، در یادداشت های گرامشی پیرامون "مرحله اقتصادی - حقوقی دولت" یافت، یعنی در جایی که گرامشی، آقاز به شناختن مشخصات نظام فرماندهی - اداری در حال شکل گیری در ا.ج.ش.س می کند. گرامشی، مضمون "پدیده اقتصادی - حقوقی" را در این می دید که "هژمونی سیاسی گروه اجتماعی نوینی که نوع جدید دولت را ایجاد کرده است"، دارای "خصلت همدتا اقتصادی" بود. به جای

رشد همه جانبه و فراگیر هر انسان، اقتصاد و تولید به هدفی تبدیل شد که همه چیز وابسته بدان است. تحت این شرایط "عناصر روبنا" و نیز برنامه، هنوز "ناچیز" است. گرامشی می افزاید: "برنامه فرهنگی همدتا جنبه منفی خواهد داشت، گذشته را به نقد خواهد کشید و خواهد کوشید گذشته را به فراموشی و محو بسپارد. خطوط سازندگی، هنوز "خطوط بزرگ" می خواهد بود که هر زمان قابل تغییر است (و باید تغییر کند) تا برزیربنای جدید در حال شکل گیری، انطباق یابد." (۳)

این ارزیابی از روبنا، تصویری از داوری گرامشی در باره امکانات ایجاد عناصر حقوقی نظام ایجاد شده در ا.ج.ش.س. به دست می دهد. این عناصر بدون تمرکز اکید، سلطه بوروکراسی و کنترل همه جانبه هر صه نگری جامعه نمی توانند به کارکرد خود ادامه دهند. این فکر که ممکن است در صورت برنامه ریزی اکید مرکزی، ابتکار و خلاقیت زحمتکشان رو به کاهش گذاشته، هلاک فردی آنها به نتایج کارشان از میان برود، گرامشی را نگران کرده بود. او می نوشت که چنین روندی می تواند در نهایت به کاهش آهنگ رشد و عدم تناسل آن بیانجامد. در "نامه های زندان" آمده است اگر خود کار به عامل فعال در مدیریت اقتصادی تبدیل شود، مدیریت باید به دلیل تغییر اساسی جایگاهش، منافع افراد را تامین کند و میان آنها، ارزیابی مقایسه ای به عمل آورد تا ابتکار حرکت به پیش را ایجاد کند. (۴)

گرامشی نه تنها نوع مناسباتی را که میان دستگاه مرکزی برنامه ریزی و کلکتیوهای تولیدی زحمتکشان شکل می گرفت رد می کرد، بلکه در قبال جهاتی که برنامه ریزی در اتحاد

بحث و بررسی در باره تاریخ جنبش کمونیستی، در سالهای اخیر گسترش یافته است. کمونیستهای جهان، هم زمان و در چارچوب جستجوی خلاق راه حل های نوین برای مسائل نوین، و در روند بدور انداختن دگم ها و تدوین اندیشه نو، به تاریخ جنبش خود، به ویژه به تاریخ هفت دهه ای که از انقلاب اکتبر گذشته است، دوباره می نگرند.

آنتونیو گرامشی، شخصیت بزرگ جنبش کمونیستی، که در زندان موسولینی تا هنگام مرگ، استوار و خلل ناپذیر، وجدان بیدار ایتالیا باقی ماند، خالق آثار گرانقدری است که اینک در بررسی مجدد تاریخ جنبش، مورد توجه تازه ای قرار گرفته است. "دفترهای زندان" او، مجموعه با ارزشی از آثار و اسپین سالهای حیات رهبر حزب کمونیست ایتالیا است. مقاله ای که می خوانیم، نگاهی است به این مجموعه، به قلم جوزپه واکا، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و رئیس موسسه گرامشی.

از مدتها پیش، فزاینده تئوریک گرامشی و دید خلاق او در باره تکامل مارکسیسم، توجه دانشمندان را به خود جلب کرده است. اما بسیاری از جنبه های میراث گرامشی، تا امروز هم بقدر کافی مورد ارزیابی قرار نگرفته اند. از آن جمله اند نظرات او در باره روندهای دگرگونی انقلابی در جهان، و به ویژه در کشور شما.

سر نوشت انقلاب

از اکتبر ۱۹۲۶ به بعد، گرامشی به این نتیجه رسید که نفوذ انقلابی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (ا.ج.ش.س.) در اروپا رو به کاهش است. وی خطاب به تولیاتی نوشت: "امروز، نه سال پس از اکتبر ۱۹۱۷، دیگر واقعتا کسب قدرت توسط بلشویکها نیست که می تواند توده ها را در قرب به انقلاب جلب کند، زیرا این واقعتا دیگر متعلق به تاریخ است و تاثیر خود را گذاشته است." (۱) منظور گرامشی چه بود؟ به نظر می رسد منظور او این بود که بر اثر پیدایش گروه های مخالف در درون حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) - ح.ک.ا.ش. (ب.) تضعیف گروه رهبری کننده بلشویکها و تمرکز فوق العاده قوای آنها بر حل "مسائل روسی" صرف، در ذهن توده ها در قرب این عقیده که پرولتاریا بتواند در کوتاه مدت در کشوری سوسیالیسم را برپا سازد دو سپس سوسیالیسم به پیروزی های بیشتری در هر صه بین المللی دست یابد، خلل می یابد.

گرامشی در اواخر ۱۹۲۶ در نامه ای به کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش. (ب) در مورد این خطر هشدار داد. وی نوشت: "رفقا، در نه سال اخیر تاریخ جهان، شما عنصر سازمان دهنده و محرک نیروهای انقلابی همه کشورها بوده اید، نقشی که شما ایفا کرده اید، به لحاظ گسترده و هم ق آن در کل تاریخ بشریت بی مانند است. اما اکنون شما دست اندکار تخریب آن چیزی هستید که ایجاد کرده اید. شما برتری خود را از دست می دهید و دچار این خطر می شوید که نقش رهبری که توسط حزب کمونیست ا.ج.ش.س. به الهام از لنین به دست آمد، از دست برود. به نظر ما چنین

قدرت، دچار هدم تناسب شود.

در این رابطه، گرامشی این امکان را منتفی نمی‌داند که در طبقه کارگر، در ارتباط با منافع بلاواسطه آن، روحیات ویژه امتیاز طلبانه پدید آید و در نتیجه، طبقه کارگر، وظایف تاریخی - جهانی خود را فراموش کند. گرامشی در این زمینه می‌کوشید روندهایی را که پس از مرگ لنین در ا.ج.ش.س آغاز شده بود، به لحاظ سیاسی توضیح دهد، و اصطلاح "سزارمنشی" را مطرح کرد. او از این اصطلاح نه به عنوان یک فرمول دقیق، بلکه بعنوان واژه‌ای تصویر ساز که به تفکر و بحث علمی و می‌دارد، استفاده می‌کرد. گرامشی می‌نوشت در زمان ما، شرایطی می‌تواند نوعی "سزارمنشی" بدون سزار، بدون یک شخصیت بزرگ "قهرمان"، ایجاد کند. وظایف چنین شخصیتی، می‌تواند برهمه احزاب سیاسی یا سایر نهادهای اجتماعی (شخصیت‌های حقوقی، دولت‌های ائتلافی و غیره) قرار گیرد. به نظر ما گرامشی در ارتباط با ا.ج.ش.س مضمون این اصطلاح را نه قدرت "فردی" استالین که در آن زمان شکل می‌گرفت، بلکه بیشتر الگوی نهادی رشد مناسبات میان حزب و دولت که رؤس آن مشخص می‌شد، می‌داند. باین حال در "دفترهای زندان" این امکان نیز نفی نمی‌شد که این مدل، در جهت تقویت اشکال خودکامه حکومت تحول یابد، زیرا در آن زمان دلیل دیگری نیز برای گرایش به "سزارمنشی" وجود داشت. توازن قوا میان نیروهای ترقی و نیروهای محافظه کار، میان نیروهایی که می‌خواستند جامعه نوین را بسازند، و آنهایی که در پی بازگشت به اشکال کهنه اجتماعی بودند. گرامشی نوشت می‌توان گفت که سزارمنشی، بازتاب موقعیتی است که در آن میان طرفهای متخاصم، توازن فاجعه وجود دارد، یعنی توازنی که در آن، ادامه نبرد می‌تواند تنها یک نتیجه داشته باشد: نابودی متقابل نیروهای متخاصم.

اما گرامشی یک داوری قطعی در باره مدل رژیم سیاسی در حال شکل گیری در ا.ج.ش.س در اواخر دهه ۲۰ ارائه کرد. این امر قابل درک است، زیرا جهت رشد این نظام هنوز بقدر کافی روشنی نیافته بود. تنها کافی است از یک اندیشه تئوریک بسیار جالب گرامشی نام ببریم. وی، محدود شدن دمکراسی و ایجاد "نهادگرایی" و نیز اشکال حکومتی "سزارمنشانه" را تحت شرایط تاریخی معینی، اجتناب ناپذیر می‌دانست، اما به هیچ وجه چنین اشکالی را بطور یکجانبه منفی ارزیابی نمی‌کرد، بلکه مدافع این نظر بود که باید میان "سزارمنشی مترقی" و "سزارمنشی ارتجاعی" تفاوت قائل شد.

وی نوشت: "مفهوم دقیق هر شکل سزارمنشی را در نهایت تنها می‌توان با استناد به فاکت‌های مشخص تاریخی و نه الگوهای اجتماعی، تعیین کرد. سزارمنشی مترقی است اگر به نیرویی ترقیخواه در پیروز شدن کمک کند، اگر چه با کاربرد وسایل معین و سازشهایی که اهمیت پیروزی کسب شده را محدود می‌کنند." (۷) به عبارت دیگر، نوعی سزارمنشی می‌تواند وجود داشته باشد که ضعف نسبی و سطح نازل رشد یک عامل مترقی تاریخ نظیر طبقه کارگر روسیه در سالهای پس از انقلاب

را جبران کند، یک سزارمنشی که به پیروزی بر نیروهای محافظه کار یاری رساند و از این طریق، نفی خود را نیز تدارک ببیند. اما آنچه واقعیت داشت، رشد نوعی دیگری از سزارمنشی بود، و این امر خود را در کلکتیوه کردن اجباری و ایجاد یک دستگاه اداری تماما بوروکراتیک نشان داد، یعنی تحولی که نه به نفی خود بخودی "سزارمنشی"، بلکه برعکس، به ایجاد نیرویی که بر کل جامعه سنگینی می‌کند، می‌انجامید.

گرامشی "اوج" استالینسم را ندید. اما همانگونه که از "دفترهای زندان" برمی‌آید، برای او روشن بود که چنین پدیده‌ای در انقلاب چگونه می‌تواند ایجاد شود. البته گرامشی در این مورد نیز به اصول خود پایبند ماند و نکوشید که از پیش تعیین کند که هنر ترقی در کجا به جلو می‌رود و در کجا، موضعی را به هنر کهنه می‌سپارد، هنر کهنه‌ای که اگر دوباره برخیزد، دیگر نه در اشکال پیشین، بلکه در قالب نوظهور می‌کند.

هدف گرامشی در آن زمان این بود که نشان دهد در صورت تخریب اتحاد میان طبقه کارگر و دهقانان و اولویت یافتن منافع نهادگرایانه پرولتاریا در جامعه، این امر برای قدرت شوروی چه عواقب اجتماعی و سیاسی خواهد داشت.

گرامشی به عنوان یک هشدار، مشخصات عمومی "طرح" یک دولت راترسیم کرد که بطور آشکار با دولت بعدی استالینی تفاوت دارد. گرامشی تاکید می‌کرد: "دولت بعنوان ارگانسیم متعلق به یک گروه ایجاد می‌شود و وظیفه دارد شرایط مساعد را برای گسترش حداکثر این گروه، ایجاد کند. اما این رشد و این گسترش، بعنوان نیروی محرکه یک گسترش فراگیر، و رشد همه انرژي "ملی" طرح و ترسیم می‌شود. بدین ترتیب، گروه حاکم، پیوند مشخصی با منافع عمومی گروههای محکوم می‌یابد، و حیات دولت بعنوان شکل گیری و محور دائم توازنهای ناپایدار (در چارچوب قانونیت) میان منافع گروه حاکم و گروههای محکوم طرح می‌شود. در این توازنها، منافع گروه حاکم همده است، اما تنها تا یک نقطه معین، یعنی نه تا حد منافع محدود اقتصادی. حقوقی" (۸)

منظور گرامشی چه بود؟ پس از آنکه پرولتاریا قدرت را در دست گرفت، تنها به شرطی می‌تواند همومونی خود را حفظ کند که منافع محدود نهادگرایانه خود را در پای وظیفه اصلی، قربانی کند. بدین ترتیب گرامشی از پیش رهبری استالین را محکوم می‌کرد، نوعی رهبری که طبقه کارگر را با تنزل و وظایف عمومی آن به سطح وظایف جزئی گمراه می‌نمود، و در نهایت پرولتاریا را تابع یک نظام اداری فرماندهی می‌کرد که پیرو قوانین خود بود و با منافع واقعی طبقه کارگر در تضاد قرار داشت. (۹)

"تثبیت سرمایه داری"

یا "انقلاب منفعل"؟

برخی دانشمندان که توجه اصلی خود را متوجه مخالفت گرامشی با تئوری تروتسکی در

باره "انقلاب مداوم" می‌کنند، بر این نظرند که گرامشی استالین را ادامه دهنده مشی لنین در ساختن سوسیالیسم در یک کشور، به ویژه سیاست لنین در مقابل دهقانان می‌دانست. در همین حال بسیار به این امر اشاره می‌شود در "دفترهای زندان" اشارات اندکی به استالین دیده می‌شود، اما جدل با تروتسکی و نقد طرح او برای ساختمان سوسیالیسم در ا.ج.ش.س جای زیادی به خود اختصاص می‌دهد. برهان‌های دیگری هم طرح می‌شود. اگر این استدلالها را تحلیل کنیم، روشن می‌شود که برخلاف برخورد گرامشی، بسیار از درک جوهر لنینیسم دورند. اما اگر میراث گرامشی را بررسی کنیم، روشن می‌شود که او با هر چه تا این زمان درجه، جوهر لنینیسم را تحریف می‌کردند، برخورد آشتی ناپذیری داشت، امری که در آن زمان در فعالیت تروتسکی به آشکارترین وجه نمایان بود و این واقعیت که استالین، از برخی اندیشه‌های تروتسکی بهره گرفت، ثابت می‌کند که انتقاد گرامشی از تروتسکی، موشکافانه بود و به موقع صورت گرفت.

گرامشی چه اندیشه‌ای را دنبال می‌کرد؟ چرا او پس از ۱۹۲۶، تا آن حد نسبت به سرنوشت انقلاب اکتبر نگران بود؟ مابخشی از پاسخ به این پرسش را دادیم، اما تنها بخشی از آن را برای تکمیل تصویر، باید به تحلیل گرامشی از موقعیت نوین ایجاد شده در جهان پس از جنگ جهانی اول، توجه کنیم.

گرامشی نوشت: "افسانه جنگ - وحدت جهان در اتحادیه ملت‌ها - به نوع و در اشکالی تحقق یافت که می‌توانست در نظامهای مالکیت خصوصی و ملی تحقق یابد: در انحصار جهانی تحت تسلط آنکلو ساکسونها، زندگی اقتصادی و سیاسی دولتها تحت کنترل دقیق سرمایه داری آنکلو - آمریکین قرار دارد: همه بازارها، همه راههای زمینی، دریایی و رودخانه‌ها، زمین و منابع زمینی، کل مجموعه تولید جهانی و تجارت جهانی توسط سرمایه داری آنکلو - آمریکین کنترل می‌شود. جنگ برای آزادی ملت‌ها در چارچوب دولتها، به از دست رفتن حاکمیت و استقلال دولت‌ها و ملت‌ها انجامید. ایتالیا مانند همه دولتهای دیگر جهان به یک دولت "پرولتر" تبدیل شده است، یعنی در تمامیت خود توسط سرمایه داری آنکلو - آمریکین استثمار می‌شود... جهان بدین مفهوم "متحد" شد که یک سلسله مراتب جهانی به وجود آمد که کل جهان را در انضباط تحکیم آمیز خود می‌گیرد و کنترل می‌کند." (۱۰)

گرامشی در همین حال در تحلیل این نظام به این نتیجه رسید که "آمریکایی شدن" به افزایش بازده تولید و شیوه‌های کار و نیز تغییر سازماندهی ساختار اجتماعی در اروپای انجامد. وی، هدف و اهمیت عینی این روند را در این می‌دید که "آن هم بزرگترین تلاش جمعی تاکنون، برای ایجاد نوع جدید فرد زحمتکش و نوع جدید انسان محسوب می‌شود، تلاشی که با سرعتی باورنکردنی و آگاهی درباره هدف، بگونه‌ای که در تاریخ بی نظیر است، همراه است" (۱۱) گرامشی همچنین خاطر نشان می‌کرد (در یادداشت‌هایش در باره بقیه در صفحه بعد

از "دفترهای زندان" گرامشی

بقیه از صفحه قبل

"آمریکانسم و فورديسم" که گرامشهای مثبتی که تا ۱۹۱۴ در زیر پوسته سرمایه داری رشد کرده بودند، پس از جنگ به سطح آمدند و در مبارزه با کمهنه، تقویت شدند (رشد نهادهای دمکراسی پارلمانی، تلاش اتحادیه‌های کارگری برای کنترل بازار کار و غیره).

در این رابطه گرامشی ناگزیر اصطلاح "انقلاب منفعل" را وارد دانش مارکسیستی سیاست کرد. به نظر او این اصطلاح دقیق‌تر از هر چیز، دورانی را که در غرب پس از جنگ جهانی اول آغاز شده بود، توصیف می‌کرد. برای گرامشی، این دوره تاریخی جدید، نه تنها "تثبیت نسبی" سرمایه داری، که در اسناد کمیتز از آن سخن می‌رفت، بلکه نقطه عطنی در روند رشد به شمار می‌آمد، گذار به نوع جدیدی از تولید، به لحاظ معینی تاریخی مستلزم یک رشد اجتماعی همه جانبه بود که در برابر احزاب کمونیست وظیفه تدوین استراتژی به کلی جدیدی برای مبارزه، و یافتن اشکال و شیوه‌های جدید برای جذب توده‌ها و کسب قدرت را قرار می‌داد.

گرامشی در فرمولبندی طرح "انقلاب منفعل" (پیشرفتی که بشکل انقلابی آشکار جریان نمی‌یابد) خاطر نشان می‌کرد که "در پوشش سیاسی معینی، مناسبات اساسی اجتماعی الزاما تغییر می‌یابند و نیروهای سیاسی موثر جدیدی ظهور و رشد می‌کنند تا بتدریج، اما با قطعیت، بر محافل رسمی فشار می‌آورند. این محافل نیز دچار تغییر می‌شوند، بدون اینکه یا تقریباً بدون اینکه خود متوجه باشند" (۱۲). گرامشی بطور مشخص‌تر، بر پدیده‌های نو در رشد سرمایه داری انگشت گذاشت و تاکید کرد که از این طریق، تضاد اصلی سرمایه داری محو نمی‌شود، بلکه تنها بطور موقت خنثی میگردد. گرامشی نوشت که این روند تاکنون در "سطح مولکولی" جریان داشته است و نه الزاما "به ابتکار" نیروهای اصلی متخاصم. (۱۳)

گرامشی در زندان بدون تردید امکان این را نداشت که این اندیشه‌ها را که سالها جلوتر از تحول اقتصاد جهانی و سیاست بین‌المللی بودند، جز به جز تنظیم کند. (در اصل، "انقلاب منفعل" و دیگر نه در "سطح مولکولی" در اروپای غربی پس از جنگ جهانی دوم نمود یافت.) علاوه بر این، به همت سالها زندان، این امکان هم نبود که کمونیستهای ایتالیا و سایر احزاب برادر با همه آنچه که می‌توانست موضوع مباحث خلاق باشد و به تعیین جهات آتی مبارزه تحت شرایط نوین ایجاد شده در غرب کمک کند، آشنا شوند. اما مهم‌ترین چیزی که باعث می‌شود "دفترهای زندان" در طول زمان ارزش خود را از دست ندهد، دور اندیشی و همت تفکر نظریه پردازی است که قادر بود واقعا دیالکتیکی فکر کند. وی در ارتباط با "انقلاب منفعل" یادداشت کرده است: "سودمندی و خطرات چنین استدلالی، خطر شکست‌گرایی تاریخی، یعنی بی‌تفاوتی، زیرا طرح همومی مسئله، می‌تواند به اعتقاد تمامیت‌گرایی بیانجامد و غیره... اما این طرح، باز هم دیالکتیکی است، زیرا الزاما

یک آنتی‌تزیرومند می‌طلبد که همه امکانات یک توضیح بی‌ابهام را بمیدان آورد... به مثابه مهیار تفسیر با توجه به فقدان سایر عناصر موثر و تعیین کننده" (۱۴)

گرامشی تلاش می‌کرد ثابت کند که دورانی که پس از جنگ جهانی اول آغاز شده بود، پیچیده‌تر از آن بود که بسیاری از نظریه پردازان مارکسیست گمان می‌کردند، و با صعود ایالات متحده آمریکا به مقام نیروی رهبری کننده در اقتصاد جهانی و در پیوند با آن، "انقلاب منفعل" در اروپا، که در آن نظام‌های سلطنتی فرو پاشیده بودند، موقعیت سیاسی نوینی ایجاد شده بود. به نظر گرامشی، انقلاب اکتبر که از طریق آن، ضعیف‌ترین حلقه در زنجیر امپریالیسم گسست، نتیجه انتقال "فاجعه آمیز" محور اقتصاد جهانی سرمایه داری از اروپا به آمریکا در سالهای جنگ و نه یک انقلاب مبتنی بر انتخاب آزاد، بلکه انقلابی به ناگزیر بر اثر روند تحول تاریخ بود. منظور گرامشی چه بود و از این طریق می‌خواست به نیروهای انقلابی در غرب چه بگوید؟

از "حمله مستقیم"

تا "جنگ در موضع"

گرامشی با کپی کردن تجارب انقلاب اکتبر مخالفت کرد و ثابت کرد که روند انقلابی در غرب به همت ویژگی ساختارهای اقتصادی و سیاسی غرب باید به اشکال دیگر صورت پذیرد. از نظر گرامشی، انقلاب اکتبر، سرمشقی از "هنر سیاسی" که می‌بایست از آن در موقعیت جدید اروپا با همیشاری استفاده کرد. وی در این رابطه تاکید می‌کرد لنین در واپسین سالهای حیات خود در می‌یافت که "جنگ توام با تحریک که در سال ۱۹۱۷ در شرق با موفقیت به کار بسته شد، باید به جنگ در موضع، که در غرب تنها جنگ ممکن است تبدیل شود" (۱۵)

گرامشی در پاسخ به طرح تروتسکی در باره "انقلاب مداوم" می‌گفت بجای "حمله مستقیم" در غرب زمان یک "جنگ در موضع" طولانی آغاز شده است...

گرامشی می‌کوشید توضیح دهد ده جنبش کارگری در این زمینه چه الگوریتم‌هایی می‌تواند ارائه دهد و هدف از "جنگ در موضع" چیست. وی در این رابطه، تجارب بسیار موثر شوراهای کارخانه‌ها در تورین را بررسی کرد. اندیشه‌هایی که وی در این رابطه مطرح نمود بسیار از چارچوب اصول استراتژیک احزاب کمونیست در آن زمان فراتر می‌رفت. گرامشی این پرسش را مطرح کرد که آیا راه دیگری از رشد صنعتی، گذار به مرحله نوینی از تولید صنعتی ممکن است؟ در "دفترهای زندان" به این اندیشه برمیخوریم که پرولتاریا می‌تواند تحولات تکنولوژیکی را که به سیستم مورد یا سیستم تالیورموروف بودند، تحت کنترل در آورد

... پرولتاریای پیروزمند روسیه نیز طبق تحلیل گرامشی در موقعیتی نبود که بتواند به حل این مسائل بپردازد. پس از مرگ لنین در این کشور افشاری که در خود شرایط همومی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای با رشد ناکافی را منعکس می‌کردند، بر نیروهای

ترقیخواه ملت که هنوز در "موقعیت جنبینی" بودند دست بالا را یافتند. از این رو نیروها نتوانستند تاثیر لازم را بر روند این "جنگ در موضع" در غرب بگذارند. در نهایت، مش ادامه "حمله مستقیم" که دیگر کهنه شده بود، به کرسی نشست.

گرامشی از این مشی انتقاد می‌کرد و تاکید می‌ورزید (دفتر ۱۴، بند ۶۸): "در واقع، رابطه "ملی" "متره یک ترکیب بدیع و "ابتکاری" (به مفهوم معینی) است که باید در همین بدعت و بی‌مانندی‌اش مورد بررسی قرار گیرد... اما چشم انداز، بین‌المللی است و تنها می‌تواند بین‌المللی باشد. از این رو، مطالعه دقیق ترکیب نیروهای ملی رهبری کننده طبقه بین‌المللی و رشددهنده این طبقه مطابق با چشم اندازهای بین‌المللی و ضروریات رشد بین‌المللی، لازم است. طبقه رهبری کننده، تنها زمانی رهبری را بدست می‌گیرد که در یابد چگونه این ترکیب را دقیقاً تعریف کند، ترکیبی که خود جزئی از آن است و می‌تواند از این طریق، به جنبش جهت معینی با چشم اندازهای معین بدهد."

گرامشی از فرمول "جنبه واحد" که توسط لنین در گذر سه سوم کمیتز پیشنهاد شد، استفاده می‌کند. گرامشی می‌نویسد لنین فرصت آنرا نیافت که "فرمول خود را تعمیق بخشد" (۱۶)، و اکنون این وظیفه جانشینان اوست که چنین کنند. این وظیفه، مستلزم شناخت همه جانبه امکانات سیاسی، توجه به موفقیت‌ها و ناکامی‌های جنبش کارگری و تصاحب تدریجی و پیگیری مواضعی است که در زندگی و در رشد جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند. گرامشی، درک فزاینده‌ای از اهمیت این فرمول داشت و در آن، امکان مقابله موثر با فاشیسم و گسترش حمله به "استحکامات" تعیین کننده جامعه مدنی را می‌دید. این است یک امکان برای احزاب کمونیست که از موقعیت محاصره بیرون بیایند، تکامل بیابند، قابلیت سیاسی تحقق همومنی طبقه کارگر را کسب کنند و بر این زمینه، مناسبات نوینی میان شرق و غرب ایجاد کنند...

پانویس‌ها

- (۱) گرامشی: تاسیس حزب کمونیست، ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۶، تورین، ۱۹۷۱، ص ۱۳۶ و ۱۳۷
- (۲) همانجا، ص ۱۲۸
- (۳) گرامشی: دفترهای زندان، تورین، ۱۹۷۵، ص ۱۵۳
- (۴) همانجا، ص ۱۲۶ و ۱۲۶۲
- (۵) همانجا، ص ۱۸۵ و ۱۸۰۶
- (۶) همانجا، ص ۱۸۰۶
- (۷) همانجا، ص ۱۶۱۹ تا ۱۶۲۳
- (۸) همانجا، ص ۱۵۸۴
- (۹) همانجا، ص ۱۶۰۱ و ۱۶۰۲
- (۱۰) dellarivoluzione، گرامشی، Losviluppo، تورین، ۱۹۸۷، ص ۲۰
- (۱۱) گرامشی: دفترهای زندان، ص ۲۱۶۵
- (۱۲) همانجا، ص ۱۸۱۸ و ۱۸۱۹
- (۱۳) همانجا، ص ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱
- (۱۴) همانجا، ص ۱۸۲۷
- (۱۵) همانجا، ص ۸۰۱ و ۸۰۲
- (۱۶) همانجا، ص ۸۶۶

رد پیشنهاد انقلابیون السالوادور

همانگونه که در "اکثریت" شماره ۲۴۳ گزارش دادیم، جبهه رهایی‌بخش ملی فارابوندومارتی در یک ابتکار جدید، پیشنهاد کرد که انتخابات ریاست جمهوری السالوادور ۶ ماه به تعویق افتاده، شرایط فعالیت آزادانه همه نیروهای سیاسی در آن فراهم شود.

خوزه ناپلئون دوارته رئیس جمهور السالوادور این پیشنهاد انقلابیون این کشور را رد کرد.

رد پیشنهاد انقلابیون السالوادور در حالی صورت گرفت که اسقف اعظم سان سالوادور و گیلرمو اونگو، نامزد ائتلاف حزبی چپ "مجمع دمکراتیک" از ابتکار جبهه فارابوندومارتی به عنوان گامی در جهت حل سیاسی مسائل السالوادور استقبال کرده‌اند.

برزیل:

تدارک اعتصاب عمومی

اتحادیه‌های کارگری برزیل تدارک برگزاری یک اعتصاب عمومی سراسری علیه سیاست‌های اقتصادی دولت سارنی رئیس جمهور این کشور را آغاز کردند.

طبق برنامه اقتصادی جدید دولت برزیل، که از نیمه ژانویه به اجرا درآمده است، برای مبارزه با تورم دستمزدها و قیمت‌ها ثابت می‌ماند. این به معنی لغو نظام انطباق خودبخود دستمزدها بر قیمت‌هاست که تاکنون در برزیل وجود داشته است. اتحادیه‌های کارگری محاسبه کرده‌اند که در صورت تحقق برنامه‌های دولت، درآمد واقعی مردم به نسبت سال ۱۹۸۷، ۳۵ تا ۴۰ درصد کاهش خواهد یافت.

رهبر یکی از سه اتحادیه مهم کارگری برزیل اعلام کرد این اتحادیه‌ها به برنامه اقتصادی دولت "اعلان جنگ" خواهند داد. هر سه اتحادیه کارگری خواستار اعتصاب شده‌اند.

از میان سایر رویدادها

* یک اعتصاب سراسری برای بهبود وضعیت اقتصادی، هائیتی را فراگرفت. در فراخوان اعتصاب که توسط "کنفدراسیون مستقل زحمتکشان هائیتی" صادر شد، مبارزه با رژیم نظامی، بورژوازی والیگارش‌ی نیز از اهداف اعتصاب اعلام شده است.

* پلیس و ارتش آرژانتین سه‌شنبه گذشته در حمله به پادگانی که به تصرف اعضای یک گروه چپ‌رو درآمده بود، حمام خون به راه انداختند. در این حادثه ۳۷ تن کشته و بیش از ۷۰ تن مجروح شدند. سرکوب خشن اقدام چپ‌گرایان در حالی صورت گرفت که دولت آلفونسین هریار که نظامیان راستگر اقدام به شورش کرده‌اند، با آنها از در مذاکره وارد شده است.

نیروهای امنیتی آرژانتین، فردی را که گویا در حمله به یک پادگان در نزدیکی بوئنوس آیرس شرکت داشته است، دستگیر می‌کنند.

شواردناده در چین

شواردناده خواهان نظارت بین‌المللی بر خروج نیروهای ویتنامی از کامبوج، تحقق توافق‌ها میان طرف‌های درگیر و برگزاری انتخابات آزاد در کامبوج شد.

همزمان با اقامت وزیر خارجه شوروی در چین، اعلام شد که میخائیل گارباچف رهبر شوروی دعوت رهبری چین برای انجام دیداری از این کشور را پذیرفته و به زودی به چین سفر خواهد کرد.

هفته گذشته، ادوارد شواردناده وزیر خارجه شوروی از چین دیدار و با مقامات این کشور در باره روابط دوجانبه و مسائل بین‌المللی، گفتگو کرد. این، نخستین سفر یک وزیر خارجه شوروی به چین پس از تیرگی روابط دو کشور در دهه ۶۰ بود.

از مهمترین مسائل مذاکرات شواردناده و کیان‌کیشن وزیر خارجه چین، حل مسئله کامبوج بود. وزیر خارجه چین اظهار داشت در این مورد پیشرفت‌هایی حاصل شده است.

محکومیت اسرائیل در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

۱۹۸۷، تنها در سه مورد سر بازان اسرائیلی به علت رفتار خشونت‌آمیز خود محاکمه شده‌اند. بالاترین کیفر در این محاکمات، ۱۸ ماه زندان بوده است.

اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو هفته به طول می‌انجامد. در دستور کار این اجلاس، تبعیض نژادی، تدوین منشوری در باره آزادی مذهب، منشور منع شکنجه و نیز منشوری در باره حق رشد کشورهای جهان سوم قرار دارد. این کمیسیون برای نخستین بار، مسئله حق خودداری از انجام خدمت سربازی را مورد بررسی قرار خواهد داد.

آریل شارون، وزیر صنایع اسرائیل که در زمان حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، وزیر دفاع این کشور بود، در یک مصاحبه خواهان کشتن یاسر عرفات شد. وی گفت تا وقتی عرفات زنده است، آرامش به اسرائیل بر نمی‌گردد!

روز دوشنبه ۳۰ ژانویه، چهل و پنجمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، که ۴۳ کشور در آن عضویت دارند، در ژنو آغاز به کار کرد. در آغاز کار کمیسیون، سازمان ملل بین الملل گزارش مبسوطی در مورد نقض حقوق بشر در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه توسط ارتش اسرائیل ارائه نمود. سخنگوی ملل بین الملل، شدیداً از تحمل رفتار خشونت‌آمیز سربازان اسرائیلی، که به کشته و زخمی شدن هزاران تن انجامیده است، ابراز نگرانی کرد.

این سخنگو خاطر نشان کرد تاکنون حدود ۳۰۰ نفر بر اثر اصابت گلوله، ضرب و شتم و یا استفاده از گاز اشک‌آور در مناطق اشغالی فلسطین کشته و هزاران تن مجروح شده‌اند. ۶۰ نفر بر اثر استفاده از گاز اشک‌آور توسط اسرائیلی‌ها به قتل رسیدند. به گزارش ملل بین الملل، از آغاز قیام فلسطینی‌ها در دسامبر

ادامه محاکمه کوتلو و سارگین

تاکید کرد: "ما برای مردمان به دمکراسی و حقوق بشر نیاز داریم." کوتلو گفت پارلمان ترکیه باید در باره صدور اجازه برای فعالیت حزب کمونیست، تصمیم بگیرد و این تصمیم نباید به دادگاه امنیتی واگذار شود.

ادامه محاکمه به علت ناراحتی قلبی که کوتلو هنگام تراثت بیانیه خود بدان دچار شد، به ۲۲ فوریه موکول گردید. کوتلو از هنگام دستگیری در اواخر ۱۹۸۷ تاکنون، دو بار دچار حمله قلبی شده است.

در پانزدهمین روز محاکمه حیدر کوتلو و تیمات سارگین، رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه که جمعه ۷ بهمن (۲۷ ژانویه) برگزار شد، وکلای مدافع متهمان خواهان آزادی فوری آنها شدند و بار دیگر تاکید کردند که دادگاه صلاحیت رسیدگی به اتهامات را ندارد. قضات دادگاه امنیتی آنکارا، تقاضای آزادی کوتلو و سارگین را رد کردند.

حیدر کوتلو طی بیانیه مبسوطی بار دیگر



آخرین سرباز شوروی کابل را ترک کرد

حملات ضدانقلابیون و شرایط نامساعد جوی، خروج نیروهای شوروی را دشوار می‌کند. دستجات مسلح احمدشاه مسعود یکی از سرکرده شورشیان، گردنه سلنگ را ناامن کرده‌اند. در این منطقه، پروت هوا به ۲۵ درجه زیر صفر می‌رسد. ریزش برف مانع حرکت کاروانهای نظامیان شوروی است که به سوی مرز شوروی می‌روند. هفته گذشته ارتش افغانستان توانست گردنه سلنگ را که توسط بقیه در صحنه ۵

حضور نظامی شوروی در افغانستان، پیش از موعد تعیین شده در قرارداد ژنو، پایان می‌یابد. در روز شنبه ۱۵ بهمن (۴ فوریه) آخرین واحدهای نظامی شوروی، کابل پایتخت افغانستان را ترک کردند. انتظار می‌رود ظرف هفته جاری، این واحدها از طریق گردنه سلنگ به مرز شوروی رسیده، از افغانستان خارج شوند. قرارداد ژنو، تاریخ خروج آخرین نیروهای شوروی را ۲۶ بهمن (۱۵ فوریه) تعیین کرده است.

پس از ۳۵ سال

دیکتاتور پاراگوئه سرنگون شد

در نخستین ساعات جمعه سوم فوریه، یک کودتای نظامی علیه ژنرال آلفردو اشتروسنر دیکتاتور پاراگوئه آغاز شد و پس از چند ساعت نبرد، که طی آن حداقل ۲۰ تن کشته شدند، به حکومت ۳۵ ساله اشتروسنر پایان داد. رهبر کودتا، که بلافاصله بعنوان رئیس جمهور موقت پاراگوئه سوگند خورد، ژنرال آندرس رودریگز، فرمانده سپاه اول ارتش پاراگوئه و از نزدیکان اشتروسنر است.

اشتروسنر ۷۶ ساله، توسط نیروهای مسلح دستگیر شد و قرار است که وارد شیلی شود. مقامات عالی‌رتبه رژیم اشتروسنر نیز بازداشت شده‌اند. ژنرال رودریگز حاکم جدید پاراگوئه، که سابقاً او در همکاری با اشتروسنر حاکمی از شرکت در سرکوب و نقض حقوق بشر است، وعده برقراری دموکراسی، تضمین حقوق بشر و قانون اساسی را داده است.

در ماههای اخیر، حزب "کولورادو"، حزب حاکم پاراگوئه، دچار اختلافات درونی شدیدی شده بود و اشتروسنر، بدنبال اوج‌گیری این اختلافات، دستور تصفیه حزب شبه فاشیستی خود را داد. گفته می‌شود ژنرال رودریگز رهبر کودتا نیز در خطر عزل از سوی دیکتاتور سرنگون شده قرار داشته است. پاراگوئه با مساحت اندکی بیش از ۴۰۰ هزار کیلومتر مربع، در



مرکز آمریکای جنوبی و بین، برزیل، بولیوی و آرژانتین قرار دارد. این کشور راه به دریانوردی در آن بیش از ۳ میلیون نفر زندگی می‌کنند. پاراگوئه در سال ۱۸۱۱ پس از جنگ با استعمارگران اسپانیایی مستقل شد. در سال ۱۹۵۴، ژنرال آلفردو اشتروسنر بایک کودتای نظامی به قدرت رسید. وی در طول نزدیک به ۳۵ سال حکومت خود، دیکتاتوری خون‌آشامی را در پاراگوئه برقرار کرد. وی در سال ۱۹۷۷ خود را رئیس جمهور مادام‌العمر اعلام کرد. حکومت اشتروسنر، احزاب مخالف را به شدت سرکوب کرده است. آنتو نیومایدانا، دبیرکل حزب کمونیست پاراگوئه، سرشناس‌ترین زندانی سیاسی پاراگوئه است که نیروهای دموکراتیک در سراسر جهان بارها خواهان آزادی او شده‌اند.

عفو بین الملل خواهان اعمال فشار بر جمهوری اسلامی شد

بیانیه عفو بین الملل خاطر نشان می‌کند در ایران "شکنجه، محاکمات غیر عادلانه و کیفرهای دهمشتاک" ادامه دارد. مثلاً این سازمان در طول سال ۱۹۸۸، ۲۱ مورد قطع انگشتان در ایران را ثبت کرده است. عفو بین الملل می‌افزاید تقاضای مجددش برای صدور اجازه سفر نمایندگان آن به ایران، تاکنون مورد پذیرش قرار نگرفته است. طبق بیانیه جدید عفو بین الملل، طی شش ماه گذشته در ایران بیش از هزار زندانی سیاسی اعدام شده‌اند. این، بالاترین رقم از هنگام آغاز دهه هشتاد است.

سازمان عفو بین الملل، در ماه دسامبر نیز بیانیه‌ای در محکومیت اعدام زندانیان سیاسی ایران بقیه در صحنه

سازمان عفو بین الملل، برای قطع موج اعدام‌های جمعی در ایران خواهان اعمال فشار بر جمهوری اسلامی شد. بیانیه عفو بین الملل روز دوشنبه ۳۰ ژانویه بطور همزمان در کلیه مراکز این سازمان انتشار یافت.

چهل و پنجمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو آغاز به کار کرد. بدین مناسبت، سازمان عفو بین الملل، بیانیه‌ای به اجلاس مزبور تسلیم کرده است. سخنگوی سازمان عفو بین الملل اظهار داشت همه کشورهای که اکنون برای تحقق یک توافق نامه بین المللی جهت منع مجازات اعدام، فعالیت می‌کنند، باید هر آنچه در توان دارند علیه موج اعدامها در ایران به کار گیرند.

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثريت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارك	۱۱ مارك	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۲۴	۴۱		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارك	۲۷ مارك	<input type="checkbox"/> شش ماهه	
۵۸	۵۲	<input type="checkbox"/> يك ساله	
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 244
MONDAY, 6 FEB 89

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701_650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید